

نسبت هویت دیداری و دینی در آیین‌های سوگواری محرم (مطالعه موردی: علم‌برداری و نخل‌گردانی)

محمود ترابی اقدم^۱، علی اصغر فهیمی‌فر^۲

چکیده

هویت ایرانی در آیین‌های مختلف جامعه از جمله مناسک دینی نمود یافته که بخش مهمی از آن در آیین‌های سوگواری محرم تجلی پیدا کرده است. مسئله این مقاله از چگونگی تناظر هویت دیداری این آیین‌ها با هویت دینی آنها نضج می‌گیرد و ما را با این پرسش اصلی مواجه می‌سازد که نسبت هویت دیداری و هویت دینی آیین‌های علم‌گردانی و نخل‌گردانی چیست؟ بر این اساس، تبیین هویت دیداری و دینی در آیین‌های علم‌برداری و نخل‌گردانی هدف این مقاله بوده است. برای دستیابی به این هدف، عناصر و نمادهای بصری آیین‌های مذکور، به روش توصیفی-تحلیلی مطالعه و با ابعاد پنج‌گانه هویت دینی (عاطفی، اعتقادی، مناسکی، دانشی و پیامدی) نسبت‌یابی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که زبان بصری به کاررفته در شبکه عناصر، نمادها و سازه‌های دیداری نخل و علم عمدتاً نشانگر دو بعد «اعتقادی» و «دانشی» است. زمانی که علم و نخل، با حضور مشارکت‌کنندگان (عزاداران) تبدیل به مناسک یعنی علم‌برداری و نخل‌گردانی می‌شوند، دو بعد «عاطفی» و «پیامدی» را فرامی‌خوانند. در واقع، نظام بصری علم و نخل به‌طور مستقیم این دو بعد را نشان نمی‌دهند، بلکه در مناسک علم‌برداری و نخل‌گردانی بروز و ظهور می‌یابند.

واژه‌های کلیدی: محرم، هویت دیداری، هویت دینی، علم‌گردانی، نخل‌گردانی، آیین سوگواری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

۱. دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

iranmrtorabia@gmail.com

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

fahimifar@modares.ac.ir

مقدمه

فراگیرترین نوع هویت در هر جامعه‌ای هویت ملی است. در تاریخ جامعه ایرانی، هویت ملی با هویت دینی^۱ گره خورده است، زیرا «برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت ملی بسیار مؤثر است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۰۴). ایرانیان در طول تاریخ همواره هم به برخی از آداب و رسوم پیش از اسلام پایبندی داشته و هم اینکه به اسلام ایمان آورده و از این دین مایه گرفته‌اند و هم ذهنیت تاریخی و جغرافیایی مشترکی دارند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۱۹۷). اندیشه مهرپرستی به‌عنوان یک وجه هویت دینی در ایران باستان سابقه جدی و طولانی دارد (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵).

هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل دین بر فرد دیندار است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۲۱). از دین و آیین تعاریف متعددی شده است. اگر دین را ایمان به خدا و عمل به مجموعه‌ای از دستورات بدانیم، می‌توانیم بگوییم آیین صورت متجسم و متعین دین است که به آن مناسک^۲ هم گفته می‌شود. هر دینی مانند اسلام مناسکی را با خود آورده است. «آیین‌های مذهبی، بخشی از اعمال عبادی مردم در زندگی عادی است و نقش آن در حیات معنوی و آرمانی مردم تجلی می‌کند و با رشته‌ای نهانی آنان را با قدیسان فرهنگی و مذهبی پیوند می‌دهد» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۰-۹). از خلال آیین‌ها فرهنگ و معنا تولید و در افراد درونی می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴).

در ماه محرم میزان آیین‌های دینی که در شهرهای ایران برگزار می‌شود، به بیشترین حد خود می‌رسد. آیین‌های عزاداری محرم، به‌عنوان امری هویتی، در تجربه زیسته مؤمنان و بازتولید عقاید مذهبی جایگاه محوری دارند. آیین‌های مذکور، علاوه بر جنبه دینی، یک لایه بصری به شهر می‌افزایند و هویت دیداری ویژه‌ای به شهرهای اسلامی می‌بخشند. مسئله این پژوهش از تلاقی میان ابعاد هویت دینی آیین‌های سوگواری محرم و نمادهای بصری آنها حاصل می‌شود. اینکه میان هویت دینی و نظام بصری این آیین‌ها چه ارتباطی وجود دارد، دغدغه پژوهشگران این نوشتار است.

هویت دیداری^۱ محرم، از انتزاع و تجلی عناصر هویت‌بخش به محرم در کالبد عناصر تجسمی شکل می‌گیرد. عناصری که مدلول آن‌ها را باید در باورهای دینی، انگاره‌های تاریخی، ایستارهای فرهنگی، شکل‌بندی‌های اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های قومیتی جستجو کرد. هویت بصری محرم از حاصل جمع وجه بصری تمامی مناسک محرم حاصل می‌شود؛ یعنی نظام نشانه‌ای مندرج در لباس عزاداران، نشانه‌های بصری افراشته‌شده در محله‌ها، مساجد، بازار، حسینیه‌ها و تکایا و نمادهای بصری آیین‌های مختلف سوگواری. در این میان آنچه عینیت و کاربرد بیشتری دارد، نظام نشانه‌ای آیین‌های سوگواری است. نظامی که به نظر می‌رسد از لحاظ معنایی متناظر با هویت دینی عزاداران آن آیین است و از لحاظ فرمی، با ابتناء بر مؤلفه‌هایی مانند الگوهای هندسی، وحدت تجسمی و ریتم بصری، «هویت دیداری» محرم را مرکزیت می‌بخشد و پدیدار می‌سازد. شناخت و تبیین این هویت بصری از رهگذر واکاوی ابعاد عناصر بصری به‌طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر در قامت سازه‌های تجسمی حاصل می‌شود. همان‌گونه که در بخش روش پژوهش بیان خواهد شد، دو آیین علم‌گردانی و نخل‌گردانی وجه بصری پررنگ‌تری نسبت به آیین‌های دیگر دارند، از این رو جستجوی هویت دیداری آنها در تناظر با ابعاد هویتی دینی مشارکت‌کنندگان در این مناسک اهمیت بیشتری دارد. چنین مطالعات میان‌رشته‌ای، برای فهم لایه‌مند مناسک عاشورایی ضروری است.

براساس مسئله ذکرشده، سؤالات پژوهش را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد: نسبت هویت دیداری و هویت دینی آیین‌های علم‌گردانی و نخل‌گردانی چیست؟ هویت دیداری آیین‌های علم‌گردانی و نخل‌گردانی ابعاد هویت دینی آنها را براساس چه نشانه‌هایی و چگونه بازتاب می‌دهد؟ و ابعاد هویت دینی در تناظر با لایه‌های بصری آیین‌های مورد مطالعه چگونه قابل تحلیل است؟ و کدام ابعاد برجسته و کدام کم‌رنگ است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه محرم پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده و برخی از آنها به آیین‌های عزاداری محرم اختصاص یافته است که به موارد مهم و جدید اشاره می‌شود.

حسنوند و ستاری سارا بانقلی (۱۴۰۲) به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های مناسک آیین

دهه اول محرم و تفاوت‌های فرهنگی آن در آذربایجان شرقی و خوزستان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مردم این دو استان، عزاداری‌های خود را منطبق با مذهب، پوشش گیاهی، فرهنگ و زبان خود کرده‌اند. در کنار این تفاوت‌ها، نکات اشتراک این آیین فرهنگی، در دو استان شامل حب خاندان پیامبر و ارادت به فرهنگ عاشورا است. خان محمدی و یوسفی (۱۳۹۶) به بررسی انسان‌شناختی پدیده نخل‌گردانی در کاشان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نخل‌گردانی با داشتن کارکردهایی همانند حاجت‌خواهی، واسطه‌خواهی، تقدس‌بخشی به هنجارهای عاشورایی، هویت‌بخشی مذهبی، و هم‌ذات‌پنداری کنشگران با اسوه‌ها در دینداری مردم منطقه مؤثر است. کاظمی (۱۳۹۱) هنرهای تزئینی در نخل‌گردانی ایبانه را از منظر انسان‌شناختی بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اشیای تزئینی در نخل، ارزشی تباری- مذهبی دارد و هنر مناسکی نخل‌گردانی، پویایی نمایشی، معنایی و تاریخی دارد.

پژوهش‌های مرتبط با هویت دینی در ایران در مقایسه با پژوهش‌های مربوط به مناسک محرم، شمار بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. رکابیان و بابایی (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیده‌اند که بر پایه شواهدی همچون معنویت و خداگرایی، دین جزء ذاتی هویت ایرانی است. قنبری برزیان و همتی (۱۳۹۴) مطالعات انجام‌شده درباره هویت دینی در جامعه ایرانی (طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲) را به‌طور نظام‌مند مطالعه کرده‌اند. به‌طور کلی نتایج این پژوهش‌ها حاکی از وضعیت مثبت هویت دینی و ارتباط مثبت و هم‌زیستی بین هویت دینی و هویت‌های رقیب (هویت ملی و هویت قومیتی) به‌جز هویت مدرن و جهانی است.

گستره پژوهش‌های جدید مرتبط با آیین‌های محرم، بر انسان‌شناسی، ساختارشناسی و دینداری متمرکز است و کمتر به وجوه هنری این آیین‌ها پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی که درباره هویت دینی انجام شده‌اند، عمدتاً به‌طور مستقل به این موضوع پرداخته‌اند نه در ارتباط با متغیر دیگری. به‌رغم غنی بودن مطالعات درباره هویت دینی ایرانیان و تاحدودی مناسک محرم، کمتر درباره هویت دیداری این آیین‌ها آثار پژوهشی مشاهده می‌شود. نوآوری این مقاله این است که این هویت را در هویت بصری آیین‌های عزاداری مطالعه می‌کند؛ هویتی که ماندگار است و پیوسته بر دینداران مختلف عرضه می‌شود.

مبانی نظری

هویت عامل برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست (جنکینز، ۱۳۹۴: ۸-۷). هویت آگاهی شخص، گروه و جامعه به خود است که در کنش‌های اجتماعی به صورت تدریجی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۸۱). هویت انواع مختلفی دارد که یکی از آنها هویت دینی است. یکی از کنش‌های اجتماعی در تناظر با هویت دینی، آیین‌های مذهبی است.

دین مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان‌بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد (طباطبائی، ۱۳۷۳: ۳-۲). پائول اید^۱ (۲۰۰۷: ۲۲) معتقد است دین را نه تنها می‌توان به عنوان یک رابطه معنوی بین مؤمن و خدای او در نظر گرفت، بلکه یک هویت جمعی است که به درجات مختلف می‌تواند مرزهای گروهی و بیرون‌گروهی را شکل دهد.

ادوارد تایلور^۲، انسان‌شناسی که مناسک دینی را به مثابه اساس باور می‌نگرد (سیگل^۳، ۲۰۰۵: ۳۶۹)، دین را در همه زمان‌ها و مکان‌ها علی‌رغم تنوع و گوناگونی آن، پدیده‌ای واحد و برخوردار از ماهیت یگانه تلقی می‌کند، زیرا وجود تشابهات در انجام اعمال و آداب و رسوم در بین مردم جهان، نشانه هم‌شکلی بنیادی ذهن انسان است (الیاده، ۱۳۷۵: ۲۲). گرچه دین نهادی مبتنی بر ایمان است و دینداری عمل به مناسک آن است، اما هویت دینی به چگونگی درک افراد از خود به عنوان افراد مذهبی اشاره دارد که ارزش‌ها و باورهای معنوی و دینی را در جامعه ایمانی می‌پذیرند. بنابراین هویت دینی یک هویت جمعی است که شامل عضویت در گروه‌های مذهبی، پذیرش نظام اعتقادی، التزام به گروه‌ها و ارزش‌های دینی و اعمال هم‌سو با دین است (آرکیدک و نیزبدت، ۲۰۱۰). هویت دینی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۳: ۳۶).

1. Paul Eid
2. Edward Tylor
3. Segal

گلاک^۱ و استارک^۲ در کتاب دین و جامعه در تنش (۱۹۶۵) توجه پژوهشگران را به تعریف چندبعدی از دینداری جلب کرده‌اند. به نظر آنان، همهٔ ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات متفاوت‌اند، دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آنها را به‌مثابهٔ ابعاد اصلی هویت دینی در نظر گرفت، عبارت‌اند از:

۱. بعد اعتقادی یا باورهای دینی: متشکل از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند.

۲. بعد مناسکی یا اعمال دینی: مشتمل بر دو دسته است؛ یکی تحت عنوان شعائر و مناسک مطرح است و عبارت است از: آداب و رسوم و مناسکی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که به آنها عمل شود. دیگری پرستش و دعا که اعمال دینی و خصوصی و غیررسمی است که فرد آنها را فقط با رضایت خاطر و بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد.

۳. بعد تجربی یا عواطف دینی: ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن ارتباط با خدا یا واقعیتی غایبی یا اقتداری متعالی است.

۴. بعد فکری یا دانش دینی: مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد شناخت هر دین است که پیروان باید آنها را بدانند.

۵. بعد پیامدی یا آثار دینی: ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش بر زندگی روزمره پیروان است.

در مورد مناسک باید گفت اصطلاح مناسک در مفهومی عام، مجموعه اعمال آیینی قاعده‌مند در ارتباط با دین است (مومن^۳، ۲۰۰۸: ۱۰۴). از دیدگاه دیوید امیل دورکیم^۴، که از منظر کارکردگرایی و عاطفی به بررسی مناسک دینی می‌پردازد، افراد با حضور در مناسک به یکدیگر شهادت می‌دهند که همگی از اعضای یک جماعت با نظام اخلاقی مشترک هستند و به پیوندهای خویشاوندی آگاهی می‌یابند که آنان را به هم مرتبط می‌کند؛ این خویشاوندی ویژگی‌ای است که مناسک فقط بیانگر آن نیست بلکه سازنده

و بازسازنده آن است. دورکیم همان‌گونه که در تعریف دین نگاهی سیستمی دارد، مناسک را نیز در جامعه در یک نظام کل مناسکی نگاه می‌کند. از نظر او شیوه‌ها و مناسک مختلف در یک جامعه بزرگ مجزا از هم نیستند، بلکه همه این شیوه‌ها و مناسک در هم آمیخته‌اند و بخش‌هایی از یک کل به‌شمار می‌روند (دورکیم، ۱۳۹۳: ۲۱۱). از دیدگاه دورکیم، مناسک نظامی از نمادها و مجموعه‌ای از مفاهیم است که به‌صورت دوره‌ای خلق و بازتولید می‌شوند (فیلیپس^۱، ۲۰۰۰: ۲۵۹).

به باور ارنست لوسن^۲ و رابرت مکالی^۳، که از منظر انسان‌شناسی شناختی به تبیین نظام مناسک دینی پرداخته‌اند، مناسک دینی، اندیشه‌های مرتبط با آن مناسک، قواعد مرتبط رفتاری و عادات ملازم با آن مناسک، فقره‌هایی فرهنگی‌اند و طی نسل‌های متمادی و در درون و در میان گروه‌های اجتماعی انتقال می‌یابند (لینارد، ۲۰۰۸: ۱۵۸).

روش پژوهش

به باور برخی از پژوهشگران عرصه دین، از جمله کلیفورد گیرتز^۴، انسان‌شناس معاصر، دین نظامی از نمادهاست و این نمادها در بافت مناسک معنا می‌یابند (شامحمادی و پاسالاری بهجانی، ۱۳۹۴: ۶۹). آیین‌های محرم مانند نخل‌گردانی و علم‌گردانی نظام‌هایی نمادین متشکل از عناصر و آرایه‌های بصری هستند. از این‌رو، هویت دیداری محرم را باید در این نمادها و معانی آنها جستجو کرد.

از نظر گیرتز (۱۹۷۳: ۹۱)، نمادها محمل الگوهای معنایی تاریخی هر فرهنگ هستند. نمادها در فرایندی نسبتاً طولانی به‌صورت نظامی از معانی درآمده‌اند. کنشگران و پژوهشگران براساس آموزه‌های فرهنگی رایج در جامعه، علائم و نشانه‌هایی را با معانی ویژه برای مقاصدشان نشان می‌دهند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۰).

1. Philips
2. Ernest Lawson
3. Robert McCauley
4. Clifford Geertz
5. Symbols

۶. در نشانه‌شناسی پیرس، نماد نوعی از نشانه (نشانه وضعی) است که رابطه صورت و مفهوم در آن قراردادی است (سجودی، ۱۳۹۵: ۲۵). مانند چراغ قرمز در علائم راهنمایی رانندگی که به معنی ایست است. اما در این مقاله نماد در مفهوم کلی نشانه به کار رفته است.

از آنجایی که برای نیل به هویت بصری محرم، نمادها یا نشانه‌های مذکور نیاز به توصیف دقیق و تحلیل دارند، برای پژوهش حاضر، روش توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. طرح‌های توصیفی برای توصیف نظام‌مند و دقیق ویژگی‌ها و ابعاد پدیده‌هایی (اشخاص، موقعیت‌ها و گروه‌ها) که کمتر شناخته شده‌اند، به کار می‌رود (دولاک^۲، ۱۳۹۳: ۵۵). آنچه در روش تحلیلی اهمیتی خاص دارد، فهم صحیح متن، درون‌داها و برون‌داهای آن و کشف ارتباط منطقی این مؤلفه‌ها با همدیگر است (افراسیابی و ممینی، ۱۳۹۴: ۶۶). در پژوهش حاضر بیان ویژگی‌های تجسمی که به صورت آشکار در «عناصر بصری» و «نمادها» مشاهده می‌شوند، در مقام «توصیف» و «معنا»ی مأخوذ از ایستارهای تاریخی-فرهنگی-دینی، در مقام «تحلیل» در نظر گرفته می‌شوند.

برای توصیف، تجزیه و تحلیل معانی و کارکردهای نمادهای بصری، نیازمند شناخت زبان بصری به کاررفته در این نمادها و آیین‌های متناظر با آنها هستیم. از نظر استینسون^۳ و کایتون^۴ (۱۳۹۰) عناصر سازنده اثر تجسمی شامل این نه مؤلفه اصلی است: موضوع، فرم، خط، رنگ، بافت، فضا، تجمع و پراکندگی، حرکت و شکل. به فراخور آیین‌ها، زبان بصری نظام نمادین آن‌ها نیز بررسی خواهد شد.

دسته‌بندی‌های مختلفی در حوزه آیین‌های محرم وجود دارد. بیشتر این دسته‌بندی‌ها مانند درخشنده (۱۳۹۸)، از منظر جغرافیایی، فرهنگی و قومیتی بوده است. اما با توجه به اینکه هدف این مقاله پیکربندی هویت بصری این آیین‌ها در تناظر با هویت دینی آنهاست، در انتخاب آیین‌های مورد مطالعه تمرکز بر میزان بصری بودن نمادهای آنها شده است. بر این اساس، دو آیین جمعی علم‌گردانی و نخل‌گردانی چون وجه بصری پررنگ تری نسبت به آیین‌های دیگر دارند، و در استان‌های زیادی زنده هستند و سهم بیشتری در سپهر عمومی عزاداران دارند، با شیوه «هدفمند» انتخاب شده‌اند.

در ادامه، دو آیین علم‌گردانی و نخل‌گردانی معرفی و نمادهای بصری و معانی رایج آنها و عناصر دیداری سازنده آنها بیان می‌شود. سپس این آیین‌ها و هویت دیداری آنها از منظر ابعاد پنج‌گانه هویت دینی تحلیل می‌شوند.

یافته‌های پژوهش علم‌برداری

تصویر ۱. نمونه‌ای از علم.



عَلَم از لحاظ تاریخی، پیشینه فرهنگی طولانی را پشت سر گذاشته است، اما در ارتباط با عزاداری شیعیان می‌توان گفت حداقل از قرن‌های هشتم و نهم هجری قمری در عزاداری شیعیان استفاده می‌شده است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۰). علم‌نشانی از پرچم برافراشته‌ای است که زمانی در دست علمداری بوده (در جنگ) و اکنون از دست او افتاده است و به ضرورت باید توسط علمدار دیگری برداشته شود تا به این وسیله راه رهروان حقیقت و مردان بزرگ و خداجوی ادامه یابد (فرید، ۱۳۸۵: ۷۵). علم‌برداری در اکثر شهرهای ایران در دهه اول محرم و با حضور عزاداران برگزار می‌شود. حضور عزاداران برای این مراسم ضرورت دارد. علم‌گردانی با سینه‌زنی، زنجیرزنی و نوحه‌خوانی همراه است و در جغرافیای فرهنگ‌های مختلف ایران با کمی تفاوت اجرا می‌شود. علم‌ها معمولاً بعد از پرچم‌ها و قبل از دسته‌های زنجیرزن و سینه‌زن قرار می‌گیرند. در جدول ۱ نمادهای بصری رایج در هندسه دیداری علم‌ها و علامت‌ها و معانی متداول آنها بیان می‌شود.

جدول ۱. نمادهای بصری علم و معانی ضمنی آنها

| نمونه تصویر | معانی ضمنی | نماد بصری |
|--|---|--------------------------|
|  | <p>حق‌طلبی شیعه و جنگیدن برای حقیقت از جمله مدلول‌های این عنصر بصری است. «تعداد تیغه‌ها متناظر با ۵ تن و ۱۲ امام و ۱۴ معصوم است. تیغه وسط نیز الله است که تعادل علم را حفظ می‌کند» (مه‌دی‌ان، ۱۳۹۶). برخی از تیغه‌های علم‌ها شبیه به سرو هستند. سرو در فرهنگ ایران باستان به معنی مرگ است. از این رو می‌توان گفت که فرهنگ ایران باستان با فرهنگ شیعی درهم آمیخته است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵).</p> | <p>تیغه</p> |
|  | <p>پنجه با انگشتان باز دست را نشانه پنج تن آل عبا (محمد (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین) دانسته‌اند/ دست بریده، نشانگر دست افرادی است که در روز عاشورا قطع شد مانند امام حسین (ع)، ابوالفضل العباس (ع) (اصغری، ۱۳۹۵، وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | <p>پنجه یا دست بریده</p> |

| | | |
|---|---|------------------------|
|  | <p>نخل نماد استقامت و بردباری در فرهنگ ایرانی و اسلامی است. استفاده از شاخه‌های نخل به رنگ‌های سبز، قرمز، مشکی و بعضاً زرد و سفید نشانه‌ای از شهادت، عزاداری و... است.</p> | <p>شاخه‌های نخل</p> |
|  | <p>پرچم به رنگ سبز، قرمز، مشکی معمولاً در پایین با کنار علم به کار می‌رود و جملاتی از زیارت عاشورا یا اشعاری مانند «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» روی آن نوشته می‌شود. بعضاً یک یا چند پرچم مستقل نیز به موازات علم حرکت می‌کنند.</p> | <p>پرچم</p> |
|  | <p>ساکت شدن زنگوله‌های شترها در شروع خطبه حضرت زینت (س) در شام/ زنگ حیدری که به هنگام ورود به زورخانه می‌نوازند/ زنگی که صوفیان و قلندران آن را با خود حمل می‌کردند (اصغری، ۱۳۹۵، وبگاه خیمه، ۱۴۰۳، ذوالفقاری، ۱۳۹۵).</p> | <p>زنگوله</p> |
|  | <p>نماد درویش کابلی است که با یک کشکول آب به خدمت امام حسین (ع) رسید و امام قبول نکردند (نادعلی، ۱۳۹۴).</p> | <p>تبریزین و کشکول</p> |
|  | <p>شهادت امام علی (ع) (اسدالله الغالب) و فرزندش امام حسین (ع)، آمدن شیر بعد از شهادت امام حسین (ع) و یارانش در کربلا برای محافظت از بدن‌های مطهر شهید، شجاعت و ابهت شهدای کربلا (اصغری، ۱۳۹۵، وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | <p>شیر</p> |
|  | <p>ضمانت امام حسین (ع) از حرّ/ ضامن آهو نماد امام رضا (ع) (یک نماد ایرانی) (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳، مهدیان، ۱۳۹۶).</p> | <p>آهو</p> |

| | | |
|---|--|--------------|
|  | <p>نماد امام زمان (عج) (منبعث از حدیث «المهدی طاووس اهل الجنة») (اصغری، ۱۳۹۵، وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | <p>طاووس</p> |
|  | <p>اسارت و مظلومیت اهل بیت (ع) پس از عاشورا/ اشاره به حدیث پیامبر در معراج که فرمودند: «دیدم کاروان بی‌پایانی از شترها حرکت می‌کردند که حامل فضائل امیرالمومنین بودند» (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳، مهدیان، ۱۳۹۶).</p> | <p>شتر</p> |
|  | <p>سفیر و پیام‌رسان برای عاشورا (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳)، نماد اندیشه (مهدوی، ۱۴۰۲).</p> | <p>هدهد</p> |
|  | <p>آزادگی و شهادت/ انتقال خیر شهادت امام حسین (ع) از کربلا به مدینه/ زائر حرم اهل بیت (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳، مهدیان، ۱۳۹۶)، پهن کردن بال‌های کبوتر روی بدن شهدا (جعفری، ۱۴۰۱).</p> | <p>کبوتر</p> |
|  | <p>قداست و پاک‌ی شهدای کربلا (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳، مهدیان، ۱۳۹۶).</p> | <p>شمع</p> |
|  | <p>مشخص کردن مسیر و هدایت‌گر بودن کربلا (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | <p>فانوس</p> |

| | | |
|---|--|---------|
|  | <p>اژدها به مبارزه حر با نفس اماره یا حضور لشکر جنیان در کربلا برای کمک به امام حسین (ع) (که حضرت آنها را نپذیرفت) یا نمادی از ذوالفقار علی (ع) (Ruffle, ۲۰۲۰: ۲۷۷) تعبیر می‌شود. اژدها نماد عقیمی و رانده‌شدگی است و معمولاً در دو طرف تیغه‌ها که نماد نور و رحمت هستند به صورت قرینه به کار می‌رود و این معنی را تداعی می‌کند که خوب و بد، خیر و شر همیشه با یکدیگر در جنگ و چالش هستند (اصغری، ۱۳۹۵).</p> | اژدها |
|  | <p>اذان گویی / غیرت (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | خروس |
|  | <p>محافظ علم، براق که مرکوب پیامبر در شب معراج بود (مهدیان، ۱۳۹۶، خردجو، ۱۳۹۳).</p> | مرغ رخ |
|  | <p>گلدوزی اشعار مختلف روی آن (وبگاه خیمه، ۱۴۰۳).</p> | شال علم |

آنچه در نظام بصری علم نمود بیشتری دارد، حضور دودسته از نشانه‌ها یعنی حیوانات و اشیاء مختلف است. حال سؤال این است که این نشانه‌ها در مقام دال، متناظر با چه مدلولی از وجوه پنج‌گانه هویت دینی هستند؟ به نظر می‌رسد این نشانه‌ها متناظر با بعد دانشی و بعد اعتقادی هستند. هر کدام از این نشانه‌ها از سویی اطلاعات مستقیم یا

غیرمستقیم دربارهٔ واقعه کربلا برای عزاداران ارائه می‌کنند و ازسوی دیگر در ترکیب با یکدیگر، وجه اعتقادی آنها را تقویت می‌کنند. مثلاً حضور کبوتر ازسویی به اطلاعات عزاداران درخصوص «انتقال خبر شهادت امام حسین (ع) از کربلا به مدینه» می‌افزاید و ازسوی دیگر باورمندی آنها به این واقعه را تقویت می‌کند. پرسش بعدی این است که آیا این نشانه‌ها در بعد دانش و اعتقاد باقی می‌مانند یا در هنگام مناسک علم‌گردانی فراتر می‌روند و ابعاد دیگر را نیز پوشش می‌دهند؟ به این پرسش مکمل در نتیجه‌گیری پاسخ داده خواهد شد.

زبان بصری به‌کاررفته در شبکهٔ آرایه‌ها و نگاره‌های علم (علامت) را براساس عناصری که استینسون و کایتون (۱۳۹۰) مطرح کرده‌اند، می‌توان مطابق جدول زیر تحلیل کرد.

جدول ۰۲. زبان بصری علم بر اساس عناصر بصری آن

| عناصر بصری | تحلیل |
|------------|---|
| موضوع | موضوع علم در سطح کلان مربوط به قیام امام حسین (ع) و در سطح خرد مربوط به علمدار کربلا، حضرت ابوالفضل (س) است. |
| فرم | «تقارن» عنصر برجستهٔ علم است که ناشی از تعداد تیغه‌های (عموماً) فرد، تیغهٔ وسط بزرگ‌تر و بلندتر و تیغه‌های همسان در دو سوی تیغهٔ وسط است. فرم مبتنی بر تقارن، نوعی «تعادل» به علم بخشیده است که امکان جابه‌جایی آن را نیز سهل‌تر می‌کند. |
| خط | خطوط عمودی، افقی، مورب و منحنی در علم دیده می‌شوند، ولی خطوط غالب در بدنهٔ علم، عمودی و افقی است که نوعی استحکام به فرم بصری علم بخشیده است. البته خطوط منحنی پرهای بالایی علم و همچنین خطوط مورب سایر نمادهای بصری علم، این صلابت و قاطعیت را تعدیل و از حالت شطرنجی و صلیبی تا حدودی خارج کرده است. |

| | |
|-----------------|---|
| رنگ | رنگ‌بندی علم در مرکزیت‌یابی آن در یک فضای شهری مؤثر است، به‌ویژه اینکه پرهای پرنده (به‌عنوان برگ‌های نخل) در مرتفع‌ترین سطح آن هستند و از دور مردم را به سمت علم و هیئت عزاداری سوق می‌دهند. هویت رنگی علم (و به تبع آن هویت رنگی محرم) را متشکل از چهار رنگ اصلی دانسته‌اند: «سیاه نشانهٔ غم و ماتم، سبز نشانهٔ خاندان پیامبر (ص) و تقدّس آن، سرخ نماد جنگ و شهادت و سفید نشان صلح و دوستی» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). «در بعضی از شهرها علم سبز به حضرت عباس (ع) و علم سیاه به امام حسین (ع) منسوب است و در برخی شهرها، علم سیاه را به حضرت فاطمه (ع)، و علم سبز را به امام حسین (ع) منسوب می‌دانند. علم عباس (ع) بلندترین، و علم علی‌اصغر کوتاه‌ترین علم‌هاست» (باقی، ۱۴۰۰). |
| بافت | ازلحاظ جنس، علم از فلز تشکیل شده است، هرچند در اجزا و متعلقات آن چوب و پلاستیک و پارچه نیز مشاهده می‌شود. بافت این مواد صاف، زبر و مواج است. |
| فضا | از دو نوع فضای تزئینی و تجسمی استفاده شده است. فضای تجسمی، یادآور واقعهٔ عاشورا و فضای تزئینی ناشی از نفوذ نمادهای فرهنگی، دینی و تاریخی است. |
| تجمع و پراکندگی | در پیکرهٔ علم، تجمع و پراکندگی به‌طور همزمان دیده می‌شود. این تجمع و پراکندگی دلالت بر «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» دارد. نمادهای بصری علم در تیغهٔ وسط که مزین به نام «الله» است، جمع شده و به وحدت رسیده‌اند که زیر آن علم‌گردان استقرار یافته است. با دور شدن از تیغ وسط نمادهای بصری مختلف اضافه شده، موجب کثرت و پراکندگی می‌شوند. |
| حرکت | در هندسهٔ علم، سکون و پویایی همزمان مشاهده می‌شود. باتوجه‌به فضای تقارنی که در وسط علم با حضور تیغه بزرگ وجود دارد، چشم از اطراف به سمت مرکز علم حرکت می‌کند. ضمن اینکه حرکت علم توسط علم‌گردان (گردانان) مقوم حرکت ذاتی نهفته در هندسهٔ علم است. |
| شکل | علم ازلحاظ شکلی، به چلیپا شبیه است. شکلی که از دوران پیش از اسلام به دوران پس از اسلام در ایران ورود کرده است. |

براساس جدول شماره ۲، در ترکیب نمادهای بصری علم، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت مشاهده می‌شود و عناصر تجسمی در تیغۀ میانی که معمولاً نام مبارک «الله» بر آن نقش بسته، به وحدت می‌رسند. مدلول این نوع ترکیببندی بصری وحدانیت و توحید است. بنابراین این نوع ترکیببندی متناظر با وجه «اعتقادی» هویت دینی است.

نخل گردانی

تصویر ۲. نمونه‌ای از نخل گردانی.




در ایران، سابقه نخل را به قبل از اسلام، در زمان ساسانیان و از لحاظ اسطوره‌شناسی با آیین سوگواری سیاوش (آیین سوگواری سالانه مرگ سیاوش و حمل و گرداندن تابوت) مرتبط می‌دانند (بهار، ۱۴۰۲). تاریخ پژوهانی مانند محمدعلی اسلامی ندوشن و حسن ذوالفقاری تابوت نخل گردانی را شبیه سرو دانسته‌اند که در فرهنگ عامه، نشان جاودانگی، رشادت و زندگی اخروی است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴). البته سرو نماد مرگ و جنازه نیز است (ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۰: ۱۰۴). آینه و آذین‌بندی نخل از چندصد سال پیش در ایران معمول بوده است (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۴۴). امروزه نخل، تابوت‌واره‌ای است که برای عزاداری و به‌ویژه عزای امام حسین (ع) از آن استفاده می‌کنند (کروم،

۲۰۰۳: ۴۶، چلکوفسکی، ۲۰۰۵: ۴۱۰). عموماً در نواحی مرکزی ایران مانند یزد و کاشان انجام می‌شود. کارگزاران نخل عبارت‌اند از: بابای نخل، نخل‌کش‌ها، هدایت‌کنندگان و انتظامات نخل، حاملان کتل‌ها، پایه‌کش‌ها، دسته‌ عذاراری، پرچم‌گردان (خان محمدی و یوسفی، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۳). طریقه برگزاری این مراسم به این شیوه است که نخل‌کش‌ها، زیر نخل را می‌گیرند و براساس راهنمایی‌های یک نفر آن را به حرکت در می‌آورند و مردم پیرامون آنها حرکت و عذاراری می‌کنند. نخل‌گردانی نیز همانند علم‌گردانی بدون حضور عذاراران معنی ندارد و همچنین دارای مقدمات و مراحل برای تهیه و آماده‌سازی است. در جدول ۳ سعی شده است نمادهای بصری و اصلی نخل به همراه معنی یا معانی ضمنی آنها ذکر شود.

جدول ۳. نمادهای بصری نخل و معانی ضمنی آنها

| نمونه تصویر | معانی ضمنی | نماد بصری |
|--|---|---------------|
|  | نماد پیکر سیدالشهدا، درخت خرما، نماد درخت سرو، نماد آزادگی و استقامت و نماد عروج مقدس (زارع‌زاده، ۱۳۸۸، بلوکباشی، ۱۳۸۳، وفایی شاهی، ۱۳۸۳، و هراتی ۱۳۸۰). تابوت و حجله سیدالشهدا (ع) (حسنوند و ستاری، ۱۴۰۲: ۱۰). | چوب نخل |
| | نمادی از پارچه سیاه روی پیکر امام حسین (ع) (دهقانی زاده، ۱۳۹۶). | سیاه‌پوش کردن |

| | | |
|---|--|------------------------|
| | <p>نماد تیر و نیزه‌هایی است که بر بدن امام حسین (ع) و یاران ایشان اصابت کرد (حسینی، ۱۳۹۸).</p> | <p>شمشیر و نیزه‌ها</p> |
|  | <p>نماد قامت علی اکبر (ع) (ویکی شیعه، ۱۴۰۳). در فرهنگ ایرانی سرو نماد آزادگی، رشادت، جاودانگی و زندگی اخروی است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴). این صفات درحقیقت روحیات امام سوم شیعیان را توصیف می‌کنند. «سرو خمیده نشانه سوگواری نیز است» (اعتماد، ۱۳۹۴).</p> | <p>سرو نخل</p> |
| | <p>نماد نور وجود مبارک امام حسین (ع)، نورافشانی پیکر امام حسین (ع) (حسینی، ۱۳۹۸، دهقانی زاده، ۱۳۹۶).</p> <p>در نخل‌گردانی، طرف آینه‌بندان نخل به سمت جلو و طرف دشنه، در پشت آن قرار دارد؛ به این معنی که اگر با افراد صادق روبه‌رو شویم، ما هم مثل آینه صاف و صادق هستیم، ولی اگر قصد جنگ داشته باشید، ما نمی‌ترسیم و چون سرو قد علم می‌کنیم و آماده دفاع هستیم (وکیلی، ۱۴۰۰).</p> | <p>آینه</p> |

| | | |
|---|--|--|
|  | <p>نماد علمدار امام حسین (ع) (حسینی، ۱۳۹۸).</p> | <p>علم‌های بسته‌شده روی نخل</p> |
| | <p>نشان‌گر حجله قاسم بن الحسن (ع) (ویکی شیعه، ۱۴۰۳).</p> | <p>پارچه‌های زینتی</p> |
| | <p>به‌عنوان زنگ کاروان امام حسین (ع) (دهقانی زاده، ۱۳۹۶).</p> | <p>زنگ‌ها</p> |
| | <p>نماد کاکل علی اکبر (ع) (ویکی شیعه، ۱۴۰۳).</p> | <p>سرطوق بالای نخل</p> |
| | <p>نشانه لباس امام حسین (ع) (حسینی، ۱۳۹۸).</p> | <p>دستار سبز</p> |
|  | <p>در این طرح یا شیر به بدن بی‌سر بوسه می‌زند و یا باقی‌مانده نيزه‌ها و خنجرها را از بدن حضرت خارج می‌کند (ایرانگرد، ۱۴۰۳). در واقع این شیره شیری است که بر پیکر شهیدان کربلا ظاهر می‌شود و مانع از حمله حیوانات وحشی و گروه شمر به آنها می‌شود.</p> | <p>پارچه‌ای با عکس شیر و یک بدن بی‌سر در کناره‌های نخل</p> |
| | <p>نماد تشییع‌کنندگان پیکر امام حسین (ع) (ویکی شیعه، ۱۴۰۳).</p> | <p>عزادارانی که نخل را بر می‌دارند</p> |

نشانه‌های نخل در مقایسه با علم محدود است و شامل حیوانات نمی‌شود. علم مربوط به روز واقعه است و نخل مربوط به بعد از واقعه و طبیعتاً روز عاشورا اهمیت و ابعاد بیشتری دارد. در نخل نیز نشانه‌ها، وجه دانشی و اعتقادی را نشان می‌دهند. مثلاً وجود شمشیرها و نیزه‌ها اطلاعاتی درباره نحوه جنگ در کربلا ارائه می‌کند و با افزایش دانش عزاداران و مخاطبان، اعتقاد آنها را تقویت می‌کند. برای نخل نیز پرسش مشابه با علم پدید می‌آید. نشانه‌های نخل چه زمانی و چگونه سایر وجوه هویت دینی را فرا می‌خوانند؟

زبان بصری به کاررفته در شبکه آرایه‌ها و نگاره‌های نخل را براساس عناصری که استینسون و کایتون (۱۳۹۰) مطرح کرده‌اند، می‌توان مطابق جدول زیر تحلیل کرد.

جدول ۴. زبان بصری نخل براساس عناصر بصری آن

| عناصر بصری | تحلیل |
|------------|--|
| موضوع | موضوع علم در سطح کلان مربوط به قیام امام حسین (ع) و در سطح خرد مربوط به امام حسین (ع) است. در واقع، تشییع پیکر ایشان است. |
| فرم | نظام کالبدی نخل با بهره‌گیری از نقش‌مایه‌های مشابه در دو سوی محور مرکزی، به فرم «تقارن تقریبی» نزدیک شده است. |
| خط | خطوط عمودی، افقی، مورب و منحنی در نخل دیده می‌شوند، ولی خطوط غالب در بدنه بالایی علم، عمودی و در قسمت پایینی آن افقی است. این ترکیب بندی بصری، نوعی عروج و تعالی به فرم کالبدی نخل بخشیده است. |
| رنگ | پالت رنگی نخل نسبت به علم، محدود است. رنگ غالب نخل سیاه و رنگ فرعی سبز است. رنگ سیاه نماد سوگواری و حمل تابوت امام حسین (ع) و رنگ سبز یادآور تعلق این حضرت به خاندان پیامبر (ص) است. |
| بافت | از لحاظ جنس، نخل متشکل از چوب است. البته آینه و پارچه نیز در تزئین آن به کار می‌رود. بافت این مواد صاف، زبر و موج است. |

| | |
|-----------------|---|
| فضا | از هر دو نوع فضای تزئینی و تجسمی استفاده شده است. فضای تجسمی، یادآور شهادت امام حسین (ع) و فضای تزئینی ناشی از نفوذ نمادهای فرهنگی، دینی و تاریخی است. |
| تجمع و پراکندگی | هم در پیکره نخل و هم در جمعیت اطراف آن تجمع نمود بارزی دارد. عناصر مختلف در تابوت جمع شده‌اند. مردمی که نخل را حمل می‌کنند، در اطراف تابوت امام حسین (ع) تجمع کرده‌اند. |
| حرکت | عنصر حرکت در نخل بسیار برجسته است چراکه اساساً فلسفه شکل‌گیری آن، انتقال تابوت امام حسین (ع) است. |
| شکل | نخل به‌لحاظ شکلی هم واقعی و هم تزئینی است. نخل از منظر واقعی به تابوت تشییع پیکر شهید نزدیک است. آینه و شال و... موجب تزئین این تابوت شده است. |

به‌نظر می‌رسد در نظام هندسی نخل نیز مانند علم، «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» وجود دارد. کثرت آن را در وجه تزئینی و وحدت آن را در بعد تجسمی که به نخل (پیکر) سالار شهیدان منتهی می‌شود، باید جستجو کرد. ضمن آنکه در سطح خرد، «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» در پیکره هندسی نخل مشاهده می‌شود. در سطح کلان و دید پرنده، مانند تصویر زیر نیز این کانونی‌گرایی دیده می‌شود. افراد با پوشش‌های متفاوت، حول نخل جمع می‌شوند و فضای بصری گسترده‌تری را شکل می‌دهند.

تصویر ۳. وحدت در کثرت و کثرت در وحدت در دید پرنده.



جدول‌های ۱ تا ۴ نشان می‌دهد که عناصر بصری نه‌گانه (موضوع، فرم، خط، رنگ، بافت، فضا، تجمع و پراکندگی، حرکت و شکل) به تنهایی منعکس‌کننده بعدی از ابعاد هویت دینی نیستند، اما در ترکیب با یکدیگر نمادهای بصری (پرچم، شال، حیوانات و...) این آیین‌ها را شکل می‌دهند و این نشانه‌ها به صورت فردی و جمعی در امتداد هویت دینی محرم شکل گرفته‌اند و منجر به تقویت آن می‌شوند. حال پرسش این است که کدام یک از ابعاد پنج‌گانه هویت دینی نمود و بروز بیشتری در گستره تجسمی نخل و علم دارند؟

نتیجه‌گیری

باتوجه به سیال بودن مفهوم هویت، به‌ویژه در تلاقی با عناصر هنری، نمی‌توان برای تمامی نظام‌های دیداری این آیین‌های نخل‌گردانی و علم‌برداری تفکیک متناظر و یک‌به‌یک با ابعاد پنج‌گانه هویت دینی (اعتقادی، دانشی، مناسکی، عاطفی و پیامدی) قائل شد. اما در یک چشم‌انداز، می‌توان ابعاد مذکور را در تناظر با هویت بصری نخل و علم در دو دسته پیکربندی کرد: گروه اول از نظام بصری خود نخل و علم منتج می‌شود و گروه دوم در حالت مناسکی شدن نخل و علم و تبدیل آن به نخل‌گردانی و علم‌برداری ظهور می‌یابد.

در مجموع، هویت دیداری این آیین‌ها عمدتاً ابعاد اعتقادی و دانشی هویت دینی را بازتاب می‌دهند. بعد اعتقادی از طریق انعکاس ایمان به خدا، وحدت در کثرت، باور واقعه عاشورا و اعتقاد به کنشگران عاشورا در نظام بصری نخل و علم هویدا می‌شود. بعد دانشی از طریق معانی ضمنی حیواناتی مانند شیر، آهو، طاووس، شتر، هدهد، کبوتر، اژدها، خروس و مرغ رخ و اشیایی مانند تیغه، پنجه یا دست بریده، شاخه‌های نخل، پرچم، زنگوله، تبرزین و کشکول، شال علم، شمع، فانوس، شمشیر و نیزه‌ها، آئینه، پارچه‌های زینتی، سرطوق بالای نخل، دستار سبز و پارچه در پیوند با واقعه عاشورا بروز می‌یابد. بعد اعتقادی و بعد دانشی در نظام بصری علم و نخل ممزوج شده‌اند. مثلاً پنجه (دست بریده) ضمن اینکه اعتقاد عزاداران به پنج تن آل عبا و دست بریده امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) را نشان می‌دهد، آگاهی و دانش آنها را در این خصوص نیز تقویت می‌کند. زبان بصری علم و نخل که متشکل از عناصر

نه‌گانه است، ساخت هندسی متقارن با مرکزیت «الله» دارد. این نوع ترکیب‌بندی بصری وجه اعتقادی (توحید) را تقویت می‌کند و واقعه‌ عاشورا را ذیل این اعتقاد تفسیر می‌کند.

ابعاد دیگر هویت دینی یعنی مناسکی، عاطفی و پیامدی در گستره بصری حضور مستقیم کمتری دارند و به‌ندرت می‌توان متناظر آنها را در پیکره عناصر و نمادهای نخل و علم جستجو کرد. نخل و علم، عمدتاً دو بعد اعتقادی و دانشی را با خود حمل می‌کنند. اما نخل‌گردانی و علم‌برداری سه بعد مناسکی، عاطفی و پیامدی را نیز به دو بعد قبلی می‌افزایند. دو بعد عاطفی و پیامدی نیاز به کنشگری دارد و این کنشگری از رهگذر شرکت فعالانه دینداران در مناسک دینی میسر می‌شود.

نخل‌گردانی و علم‌برداری از طریق دعوت دینداران به این مناسک دینی، بعد عاطفی (گریه کردن برای سالار شهیدان، احساس مثبت داشتن به شهدای کربلا، احساس منفی داشتن به دشمنان اسلام، احساس نزدیکی به خدا، رازو نیاز با خدا، طلب توبه و بخشش، درخواست حاجت از خدا،...) و بعد پیامدی (پیروی از سیره امام حسین (ع)، بازگویی واقعه عاشورا و دعوت به عزاداری، دعوت به حق‌پرستی، آزادی‌خواه بودن، انجام امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با طاغوت و ظلم، جهاد در راه خدا و...) را منجر می‌شوند. درواقع ابعاد اعتقادی و دانشی به‌طور بالفعل و ابعاد مناسکی، عاطفی و پیامدی به‌صورت بالقوه در آیین‌های نخل‌گردانی و علم‌برداری حضور دارند. هویت ایرانی با هویت دینی آمیخته است. هویت دینی ایرانیان در آیین‌های عاشورایی جلوه بی‌بدیلی از خود را نشان می‌دهد. در این پژوهش سعی شد ابعاد این هویت در گستره بصری دو آیین شاخص علم‌برداری و نخل‌گردانی مطالعه شود. یافته‌های این پژوهش مؤید هویت‌بخشی مذهبی و پویایی معنایی و تاریخی پدیده نخل‌گردانی است که به ترتیب خان‌محمدی و یوسفی (۱۳۹۶) و کاظمی (۱۳۹۱) به آنها دست یافته‌اند.

پیشنهاد می‌شود مطالعاتی درخصوص مردم‌نگاری مشارکت‌کنندگان در این آیین‌ها و فهم آنها از معانی و کارکردهای نمادهای بصری انجام شود. اینکه از نگاه عزاداران، سازه‌های بصری در نظام هندسی این آیین‌ها با ابعاد هویت دینی آنها چگونه ارتباط برقرار می‌کند، سؤال این قبیل مطالعات می‌تواند باشد.

همچنین نحوه بهره‌مندی از نشانه‌های علم‌گردانی و نخل‌گردانی و سایر آیین‌های محرم در فضاهای شهری، تولیدات رسانه‌ای و آثار هنری سرفصل دیگری از پژوهش‌های کاربردی را می‌تواند به خود اختصاص دهد.

منابع

ایلکا، شاهین، ایلکا، شهاب (۱۳۹۰). *تجسم اندیشه آیینی در معماری و منظرپردازی*. تهران: طحان.

اعتماد (۱۳۹۴). *نگاهی تاریخی به نمادها و شیوه‌های عزاداری در محرم (نمادها در محرم)*، قابل‌دسترس در:

<https://www.etemadnewspaper.ir/1394/07/30/Vijeh/PDF/13940730-8-18-85.pdf>

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۵). *هویت ایرانی و تداوم تاریخی*. قابل‌دسترس در (۲۰۰۶/۰۶/۱۱): www.iranyad.ir

الیاده، میرچا (۱۳۷۵). *دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی*. استینسون، اوکویرک، کایتون، ویگ. بون (۱۳۹۰). *مبانی هنر: نظریه و عمل*. ترجمه محمدرضا یگانه‌دوست، تهران: انتشارات سمت.

افراسیابی، حسین، ممینی، سجاد (۱۳۹۴). *تحلیل جامعه‌شناختی شعر «برف» نیما براساس آرای شریعتی و با تکیه بر مفهوم «غم»*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۷ (۱)، ۶۳-۷۹. ایرانگرد (۱۴۰۳). *مراسم نخل‌گردانی؛ آیینی سنتی که به ثبت ملی رسید*. قابل‌دسترس در:

<https://irangard.com/mag>

اصغری، علی اکبر (۱۳۹۵). *علم‌گردانی*. قابل‌دسترس در: <http://mashhadenc.ir>؛ بهار، مهرداد (۱۴۰۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.

باقی، عمادالدین (۱۴۰۰). *علم و علم‌گردانی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. بلوکباشی، علی (۱۳۸۳). *نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

جعفری، فرزاد (۱۴۰۱). *آنچه شاید درباره «علم‌کشی» نمی‌دانستید/ شیر و اژدها از کجا آمدند؟* قابل‌دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/5555470>

جنکینز، ریچارد (۱۳۹۴). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج باراحمدی، تهران: شیرازه.

چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی، ۲ (۵)، ۱۹۳-۲۲۸.

حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۹ (۳ و ۴)، ۱۴۳-۱۶۴.

حسنوند، نیره و ستاری سارابانقلی، حسن (۱۴۰۲). تفاوت‌های فرهنگی در مناسک آیینی محرم. مجله گردشگری فرهنگ، ۴ (۱۲)، ۶-۱۵.

حسینی، سیده زهرا (۱۳۹۸). نخل‌گردانی؛ آیینی پرشکوه از صفویه تا یزد/ نگاهی به معناهای خفته و باورهای عامیانه در نخل و نخل‌گردانی. قابل‌دسترس در:

<https://snn.ir/fa/news/789302>

خان‌محمدی، کریم، و یوسفی، محدثه (۱۳۹۶). بررسی انسان‌شناختی پدیده نخل‌گردانی در کاشان (مطالعه موردی: نخل‌هیأت حسینی در محله سرفره و گذر صدره). شیعه‌شناسی، ۱۵ (۶۰)، ۷-۳۸.

خردجو، محمد (۱۳۹۳). علم‌هایی با قیمت‌های سنگین. قابل‌دسترس در:

<https://www.bultannews.com/fa/news/226498>

دورکیم، امیل (۱۳۹۳). صور بنیادی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات مرکز.

دهقانی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۶). حکایت عصر ماتم‌زده عاشورا و نخل‌هایی که به‌جای تابوت تشییع می‌شوند. قابل‌دسترس در:

<https://sahebkhbar.ir/news/21668564>

رحمانی، جبار (۱۳۹۳). تغییرات مناسک عزاداری محرم؛ نشان‌شناسی مناسک عزاداری محرم. تهران: انتشارات تپسا.

رکابیان، رشید، و بابایی، مرتضی (۱۴۰۱). هویت ایرانیان در گذرگاه تاریخ با تأکید بر هویت دینی. تاریخ اسلام، ۲۳ (۹۰)، ۲۳۶-۲۰۷.

زارع‌زاده، فهیمه (۱۳۸۸). تعامل و همکاری مشترک میان مخاطبان و آفرینندگان نخل ماتم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهرا.

سجودی، فرزانه (۱۳۹۵). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر علم.

شامحمدی، رستم، و پاسالاری بهجانی، فاطمه (۱۳۹۴). مناسک دینی از دیدگاه کلیفورد گیرتز (با تأکید بر کارکرد آنها). پژوهشنامه ادیان، ۹(۱۸)، ۴۹-۷۱.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۳). نقش و عملکرد دین در وضعیت انقلابی. جامعه‌شناسی ایران، ۵(۳)، ۶۶-۲۸

طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۳). شیعه در اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

فرید، محمدصادق (۱۳۸۵). کتاب ایران: سوگواری‌های مذهبی در ایران. تهران: الهدی.

قنبری برزیان، علی، و همتی، رضا (۱۳۹۴). هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده (۱۳۹۲-۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۸.

کاظمی، سمیه (۱۳۹۱). بررسی انسان‌شناختی هنرهای تزئینی در نخل‌گردانی محله هرده ایبانه. انسان‌شناسی، ۱۰(۱۶)، ۱۴۱-۱۱۶.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳). تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۰). نگاهی مردم‌شناختی به آیین‌های توغ‌برداری در ایران. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ۲۶، ۳۳-۴۸.

مهدوی، احسان (۱۴۰۲). نمادهای روی «علم» در دسته‌های عزاداری یادآور چه وقایعی است؟ قابل‌دسترس در:

<https://www.isna.ir/news/1402050603497>

مهدیان، محسن (۱۳۹۶). نمادهای روی علم نشانه چیست؟ قابل‌دسترس در:

<https://www.fardanews.com>

نادعلی، محمد (۱۳۹۴). بیان نمادهای علم از زبان علم‌کش قدیمی تهران. قابل‌دسترس در:

<https://iqna.ir/fa/news/3393467>

وبگاه خیمه (۱۴۰۳). علامت محرم و چگونگی شکل‌گیری آن. قابل‌دسترس در:

<https://kheeyme.com/>

وفایی شاهی، حمید (۱۳۸۳). ویژگی عناصر بصری و نمادهای نخل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شاهد.

وکیلی، زیبا (۱۴۰۰). نخل‌گردانی؛ جلوه داغ بر دل نشسته. قابل‌دسترس در:

<https://www.kojaro.com/history-art-culture/192131-palm-tree-muharram-rituals-and-events>

ویکی شیعه (۱۴۰۳). نخل گردانی (آیین). قابل دسترس در: <https://fa.wikishia.net>
 هراتی، محمد مهدی (۱۳۸۰). علم: تجلی هویت ملی و مذهبی ایرانیان. کتاب ماه هنر، شماره ۳۹ و ۴۰. ۴۳-۳۴.

Arweck, E. & Nesbitt, E. (2010). Young People's Identity Formation in Mixed-Faith Families: Continuity or Discontinuity of Religious Traditions?, *Journal of Contemporary Religion*, No. 25, 67-87.

Chelkowski, Peter (2005). *Art for Twenty-Four Hours, In Islamic art in the 19th Century: Tradition, Innovation, and Eclecticism*. edited by Behrens Doris-Abouseif & Stephen Vernoit, Netherl and Bill Academic Publishers Martinus Nijhoff Publishers & VSP, 409-433.

Dulock, Helen. H. (1993). Research Design: Descriptive Research. *Journal of Pediatric Oncology Nursing*, 10(4), 154-157.

EId, Paul (2007). *Being Arab Ethnic and Religious Identity Building Among Second Generation Youth in Montreal*. London: McGill-Queen's University Press Montreal & Kingston

Geertz, Clifford (1973). *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books.

Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.

Korom, F.J. (2003). *Hosay Trinidad: Muarram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora*. Philadelphia, Pennsylvania, University of Pennsylvania Press.

Liénard A., Pierre & Lawson, E. Thomas (2008). Evoked culture, ritualization and religious rituals. *Religion*, 38(2), 157-171.

Momen, M. (2008). *Understanding Religion*. NY: Simon & Schuster.

Phillips, P. (2000). *The Cross of Christ, Sacrifice and Sacred Violence*. New Black friars. 81:256-264.

Ruffle, Karen G. (2020). *Gazing in the Eyes of the Martyrs: Four Theories of South*

Asian Shi'i Visuality, *Journal of Material Cultures in the Muslim World*.1.268-290.

Segal, R. A. (2005). *Myth and Ritual*. The Routledge Companion to the Study of Religion, J. R. Hinnells(ed.), New York.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی